فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی
سال دوم، شماره 5، بهار 1393، صفحات 120-105

تأثیر ساختار هیئت مدیره بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران

سعید محمودزاده باغبانی
مربی گروه حسابداری دانشگاه پیام نور
saeed.m1362@gmail.com

جواد پورغفار دستجردی
مدرس گروه حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز (نویسنده مسئول)
pourghaffar@gmail.com

هدف از پژوهش حاضر بررسی تأثیر ساختار هیئت مدیره بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال‌های (1389–1382) و بین 480 مشاهده است، در حالی‌که نقش هیئت مدیره شرکت‌ها در بازارهای توسعه‌یافته مانند ایالات متحده و بریتانیا مورد بررسی قرار گرفته است، اما بررسی این موضوع به‌دلیل ساختارهای متفاوت شرکت‌ها در بازارهای در حال توسعه مانند ایران ضروری به‌نظر می‌رسد. در این پژوهش اندازه هیئت مدیره، استقلال هیئت مدیره و دوگانگی وظیفه مدیرعامل به‌عنوان ساختار هیئت مدیره در نظر گرفته شده است و از مدل تعدیل‌شده جونز (ارائه‌شده توسط دیچو و همکاران) برای تعیین مدیریت سود استفاده گردیده است. نتایج مدل رگرسیونی نشان می‌دهد بین دوگانگی وظیفه مدیرعامل و مدیریت سود ارتباط مثبت وجود دارد، در حالی‌که رابطه‌ای بین اندازه و استقلال هیئت مدیره با مدیریت سود مشاهده نگردید. البته در این پژوهش آثار برخی متغیرهای کنترلی نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

طبقه‌بندی JEL: G34, M41.

واژه‌های کلیدی: مدیریت سود، اندازه هیئت مدیره، استقلال هیئت مدیره، دوگانگی وظیفه مدیرعامل.

* **تاریخ دریافت: 1392/9/23 تاریخ پذیرش: 1393/4/3**
این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی تحت‌عنوان "تأثیر ساختار هیئت مدیره بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران" است که به حمایت مالی دانشگاه پیام نور انجام شده است.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

1. مقدمه

سود گزارش‌شده تأثیر بسیار قوی و گسترده‌ای بر تمام فعالیت‌های بازرگانی یک بنگاه اقتصادی و اخذ تصمیمات مالی توسط مدیران دارد. دستیابی به پیشگویی‌های تحلیلگران مالی و برآوردن انتظارات بازار یکی از مهم‌ترین مسائلی است که فکر مدیران را در طول دوره مالی به‌خود مشغول می‌کند، زیرا اعلام سود گزارش‌شده کمتر از مبلغ مورد انتظار موجب کاهش ارزش سهام شرکت و به‌خطر افتادن موقعیت مدیران می‌گردد. البته برآوردن انتظارات بازار یکی از مواردی است که بر رفتار مدیران تأثیر می‌گذارد و آنها را به‌سوی اعمال مدیریت سود سوق می‌دهد. با مدنظر قرار دادن تئوری تضاد منافع بین مدیران و مالکان مدیران بنگاه‌های اقتصادی می‌توانند از انگیزه لازم جهت دست‌کاری سود به‌منظور حداکثرسازی ثروت خود برخوردار باشند. لازم به ذکر است که مالکان واحدهای تجاری نیز می‌توانند در راستای منافع خود محرک مدیران جهت اعمال مدیریت سود باشند. به‌طور خلاصه، مدیران واحدهای تجاری می‌کوشند از طریق کاربرد ابزارهای مختلف و روش‌های گوناگون حسابداری سود دوره مالی را دستکاری نمایند تا وضعیت مطلوبی را از بنگاه به نمایش گذاشته و تصویر مثبتی از عملکرد واحد تجاری ارائه نمایند (بهارمقدم، 1385).

از آنجایی‌که اطلاعات به‌صورت یکسان در اختیار استفاده‌کنندگان قرار نمی‌گیرد، بین مدیران و سرمایه‌گذاران عدم تقارن اطلاعاتی ایجاد می‌شود. عدم تقارن اطلاعاتی وضعیتی است که مدیران در مقایسه با سرمایه‌گذاران دارای اطلاعات افشانشده بیشتری در مورد عملیات و جوانب مختلف شرکت در آینده می‌باشند. این امر سبب می‌شود مدیران انگیزه و فرصت مدیریت سود را داشته باشند. مدیریت سود به مداخله مدیریت در فرایند اندازه‌گیری سود اطلاق می‌شود. در مورد تعریف مدیریت سود توافق عمومی وجود ندارد و تعاریف متعددی از دیدگاه‌های مختلف ارائه شده است.

در این مقاله تعریف ارائه‌شده توسط هیلی و واهلن (1999) به‌کار برده می‌شود. آنها بیان می‌دارند که مدیریت سود زمانی رخ می‌دهد که مدیران برای گزارشگری مالی از قضاوت‌های شخصی خود استفاده می‌کنند و به این منظور ساختار معاملات را دست‌کاری می‌کنند. این کار با هدف گمراه نمودن

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

برخی افراد ذینفع در خصوص عملکرد اقتصادی شرکت یا به‌منظور تحت تأثیر قرار دادن نتایج ناشی از قراردادهایی صورت می‌گیرد که به ارقام حسابداری گزارش‌شده بستگی دارند.

پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهند که مکانیزم‌های قوی نظام راهبری شرکت‌ها ظرفیت مدیران برای مدیریت سود را کاهش می‌دهد (پیسنل و دیگران، 2005).

تأکید مبانی اولیه نظام راهبری شرکت بیشتر بر موضوع راهبرد شرکت‌ها و حقوق سهامداران است و بعدها با طرح دیدگاه‌های جدی‌تر به‌سمت توجه جدی به حقوق تمام ذینفعان و اجتماع گرایش یافت (بادآورنهندی و همکاران، 1390).

در سال‌های اخیر پیشرفت‌های بسیاری در زمینه موضوع نظام راهبری شرکت در سطح جهان صورت گرفته است و کشورهای پیش‌رو در این زمینه همچنان به تقویت نظام‌های راهبری شرکت خود ادامه می‌دهند و در این راستا به مشارکت‌کنندگان در راهبری شرکت و موضوعاتی از قبیل سهامداران و روابط آنها، مسئولیت پاسخگویی، بهبود عملکرد هیئت مدیره، کمیته‌های هیئت مدیره، حسابرسان و نظام‌های حسابداری و کنترل داخلی توجه ویژه‌ای مبذول می‌دارند.

بر اساس تعریف عمومی نظام راهبری شرکت که از آن به‌عنوان ابزاری برای هدایت و کنترل شرکت‌ها یاد می‌شود جایگاه هیئت مدیره شرکت به‌عنوان نهاد هدایت‌کننده‌ای که نقش مراقبت و نظارت بر کار مدیران اجرایی را به‌منظور حفظ منافع مالکیتی سهامداران بر عهده دارد بیش از پیش اهمیت می‌یابد. به این ترتیب، چنین به‌نظر می‌رسد که رمز موفقیت یک شرکت در گروی هدایت مطلوب آن است، به گونه‌ای که می‌توان ادعا نمود راز جاودانگی شرکت‌های معروف و خوشنام در برخورداری آنها از یک هیئت مدیره مؤثر و کارا نهفته است (حساس‌یگانه و باغومیان، 1385).

نظام راهبری شرکت با مکانیزم‌های برون‌سازمانی و درون‌سازمانی می‌تواند به اعمال مدیریت مؤثر، کاهش مشکلات عدم تقارن اطلاعاتی و افزایش اعتماد سهامداران منجر گردد. هیئت مدیره شرکت‌ها یکی از این سازوکارهاست و نقش مرکزی را در راهبری شرکت ایفا می‌نماید (لیم، 2011)، بنابراین هیئت مدیره شرکت‌ها متضمن مهار دست کاری فرصت‌طلبانه سود (مدیریت سود) می‌باشند. به این دلیل بسیاری از جنبه‌های مختلف نظام راهبری شرکت‌ها در بحث هیئت مدیره آن مورد پژوهش محققان قرارگرفته است (یانگ و همکاران، 2009).

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

هدف این تحقیق بررسی تأثیر ساختار هیئت مدیره بر مدیریت سود است. به این منظور از اندازه هیئت مدیره، استقلال اعضای هیئت مدیره و دوگانگی وظیفه مدیرعامل به‌عنوان متغیرهای ساختار هیئت مدیره استفاده می‌شود. در ادامه مقاله ضمن بسط رابطه نظری بین هر یک از متغیرهای ساختار هیئت مدیره با مدیریت سود به مرور ادبیات پژوهش نیز پرداخته شده است.

2. چارچوب نظری و پیشینه پژوهش

2-1. اندازه هیئت مدیره و مدیریت سود

منظور از اندازه هیئت مدیره تعداد اعضای هیئت مدیره است و فاکتوری مهم در تأثیرگذاری آن می‌باشد. بررسی ادبیات پژوهش نشان می‌دهد دیدگاه‌های متضادی پیرامون رابطه اندازه هیئت مدیره و اثرگذاری آن وجود دارد.

از منظر نمایندگی می‌توان استدلال نمود که یک هیئت مدیره بزرگتر به احتمال قوی نسبت به مشکلات نمایندگی هوشیار است، زیرا تعداد بیشتری از افراد کارهای مدیریت را تحت‌نظر قرار خواهند داد (نیچلسن و کیل، 2003).

با در نظر گرفتن این موضوع که نقش اصلی هیئت مدیره نظارت بر مدیریت است، پژوهش‌ها در زمینه اندازه هیئت مدیره تنها از منظر نظارت مورد بررسی قرار می‌گیرد. ژی و همکارن (2003) به این نتیجه دست یافتند که تعداد بیشتر اعضای هیئت مدیره با سطوح پایین مدیریت سود ارتباط دارد. هرچند بیزلی (1996) رابطه مثبتی بین اندازه هیئت مدیره و احتمال تقلب یافت، اما ابوت و همکاران (2000) رابطه‌ای بین این دو متغیر مشاهده نکردند.

آدامز و مهران (2005) و یرماک (1996) عنوان می‌کنند برخی شرکت‌ها برای نظارت مؤثرتر هیئت مدیره بزرگتری را می‌طلبند. کولتن و همکاران (2001) فرضیه رابطه منفی بین اندازه هیئت مدیره و احتمال مدیریت فرصت‌طلبانه سود را تأیید نمودند. هر چند کوکی و همکاران (2011) اظهار نمودند بین اندازه هیئت مدیره و مدیریت سود رابطه مثبتی وجود دارد. در بورس اوراق بهادار تهران نیز آقایی و همکاران (1388) به رابطه معناداری بین اندازه هیئت مدیره و مدیریت سود دست نیافتند.

بررسی ادبیات پژوهش در این زمینه نشان می‌دهد که نتایج متفاوتی بین اندازه هیئت مدیره و مدیریت سود مشاهده شده است.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

2-2. استقلال هیئت مدیره و مدیریت سود

به عقیده فاما و جنسن (1983) هیئت مدیره شرکت‌ها نقش محوری را در نظام راهبری شرکت ایفا می‌کنند. مسئولیت اصلی هیئت مدیره ایجاد راهبری کارامد بر امور شرکت و فراهم نمودن نظارت مستقل بر عملکرد مدیران اجرایی و الزام مدیران به پاسخگویی در قبال سهامداران و تعادل در منافع ذینفعان مختلف شرکت است. باور عمومی بر این است که هیئت مدیره زمانی‌که از استقلال بیشتری برخوردار است نظارت مؤثرتری بر مدیران اجرایی اعمال می‌کند (بیزلی، 1996، پیسنل و همکاران، 2000 و کلین، 2002).

بیزلی (1996) در پژوهشی دریافت که حضور اعضای غیرمؤظف هیئت‌مدیره احتمال تقلب در ارائه صورت‌های مالی را کاهش داده است، همچنین کلین (2002) شواهدی را در رابطه با استقلال اعضای هیئت مدیره و دستکاری سود فراهم آورد که نشان می‌داد شرکت‌هایی که دارای اعضای هیئت مدیره مستقل از مدیران اجرایی بودند اقلام تعهدی غیرعادی کمتری گزارش نموده‌اند.

پیسنل و همکاران (2000) در پژوهشی با نمونه‌برداری از شرکت‌های انگلیسی به این نتیجه دست یافتند که با افزایش نسبت اعضای غیرمؤظف هیئت مدیره احتمال وجود اقلام تعهدی افزایش‌دهنده سود کاهش می‌یابد. چترو و همکاران (2001) در پژوهشی دریافتند که هیئت مدیره مستقل فعالیت مدیریت سود را محدود می‌سازد، همچنین چانگ و سان (2009) به رابطه منفی معنادار بین استقلال هیئت مدیره و اقلام تعهدی غیرعادی دست یافتند.

احمدپور و همکاران (1388) در پژوهشی به این نتیجه دست یافتند زمانی‌که انگیزه برای دست‌کاری سود بالاست مدیران غیرمؤظف نقش ضعیفی در کاهش اقلام تعهدی غیرعادی دارند، همچنین یافته‌های پژوهش آقایی و همکاران (1388) نشان داد رابطه بین استقلال هیئت مدیره با محتوای اطلاعاتی سود در شرکت‌های باانگیزه مدیریت سود بالا قوی‌تر از شرکت‌های باانگیزه مدیریت سود پایین است.

با توجه به مرور ادبیات پژوهش در این زمینه می‌توان بیان داشت از دیدگاه تئوری نمایندگی حضور مدیران غیرموظف و مستقل در هیئت مدیره شرکت‌ها که تخصص، استقلال و قدرت قانونی لازم را برای نظارت بر عملکرد شرکت دارند می‌تواند سازوکار بالقوه توانمند نظام راهبری شرکت به‌حساب آید.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

3-2. دوگانگی وظیفه مدیرعامل و مدیریت سود

اگر مدیرعامل شرکت رئیس هیئت مدیره آن نیز باشد به این وضعیت دوگانگی وظیفه مدیرعامل اطلاق می‌گردد و در این حالت مدیرعامل به‌طور بالقوه اختیار بیشتری دارد. همچنین ساختار دوگانه به مدیرعامل اجازه می‌دهد تا اطلاعات در دسترس سایر اعضای هیئت مدیره را به‌طور مؤثری کنترل نماید، بنابراین ممکن است از نظارت مؤثر جلوگیری به‌عمل آورد (جنسن، 1993).

بر اساس پژوهش‌های علمی انجام‌شده تفکیک وظایف رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل محرک‌هایی است که به‌دلیل اعطای استقلال بیشتر در تصمیم‌گیری موجب کاهش مشکلات نمایندگی شرکت می‌شود (دونالدسون و دیویس، 1994).

چانگ و سان (2009) در پژوهشی به این نتیجه دست یافتند که دوگانگی وظیفه مدیرعامل ممکن است وظیفه امانتداری هیئت مدیره در نظارت بر گزارشگری مالی را به مخاطره اندازد. آنها عنوان نمودند دوگانگی وظیفه مدیرعامل می‌تواند به‌طور بالقوه ریسک تصمیم‌گیرنده نهایی بودن مدیرعامل در زمینه گزارشگری مالی را افزایش دهد و ممکن است هزینه نظارت بر رفتار مدیریت سود را افزایش دهد.

کلین (2002)، کارسلو و ناگی (2004) و سرکار و همکاران (2008) در پژوهش‌های خود نشان دادند در شرکت‌هایی که مدیرعامل رئیس هیئت مدیره نیز می‌باشد مدیریت سود افزایش می‌یابد، همچنین وانگ و همکاران (1994) بیان نمودند اگر دوگانگی وظیفه مدیرعامل از نظارت مؤثر ممانعت به‌عمل آورد ممکن است با استفاده بیشتر از اقلام تعهدی اختیاری ارتباط یابد.

در بازار سرمایه ایران نیز آقایی و دیگران (1388) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که دوگانگی وظیفه مدیرعامل تأثیری در بهبود محتوای اطلاعاتی سود چه در زمان وجود انگیزه مدیریت سود بالا و چه در زمان مدیریت سود پایین ندارد.

3. فرضیه‌های پژوهش

- اندازه هیئت مدیره بر مدیریت سود تأثیر دارد.
- استقلال هیئت مدیره بر مدیریت سود تأثیر دارد.
- دوگانگی وظیفه مدیرعامل بر مدیریت سود تأثیر دارد.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

4. جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری مورد بررسی در این پژوهش تمام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده و دوره آزمون فرضیه‌ها نیز سال‌های (1389-1382) را دربرمی‌گیرد. در این پژوهش با توجه به شرایط متغیرها از روش حذف سیستماتیک برای دستیابی به نمونه استفاده گردیده که معیارهای اعمال‌شده برای انتخاب نمونه به شرح زیر است:

- شرکت از ابتدای سال 1380 تا 1389 در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد و وقفه معاملاتی بیش از 6 ماه نداشته باشد.

- سال مالی شرکت به 29 اسفند ختم شود و شرکت در دوره مورد مطالعه سال مالی خود را تغییر نداده باشد.

- جزء شرکت‌های خدماتی، تأمین مالی و سرمایه‌گذاری نباشد.

- اطلاعات مورد نیاز برای محاسبه متغیرهای پژوهش در سال‌های مورد بررسی در دسترس باشد.

به این ترتیب و با اعمال معیارهای فوق 60 شرکت باقی ماند که تمام آنها به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شد. برای جمع‌آوری اطلاعات لازم برای آزمون فرضیه‌ها از روش کتابخانه‌ای استفاده شده و داده‌های پژوهش از گزارش‌های منتشر شده توسط سازمان بورس اوراق بهادار تهران، بسته نرم‌افزاری تدبیرپرداز و سایت‌های www.rdis.ir و www.irbourse.com گردآوری شده است.

5. اندازه‌گیری متغیرها

5-1. متغیر وابسته

همانگونه که در ادبیات پژوهش نیز اشاره گردید مدیریت سود زمانی رخ می‌دهد که مدیران برای گزارشگری مالی از قضاوت‌های شخصی خود استفاده می‌کنند و به این منظور ساختار معاملات را دست‌کاری می‌کنند. خاستگاه مدیریت سود اقلام تعهدی اختیاری شرکت‌هاست و مدیریت در این بخش از سود می‌تواند رفتارهای فرصت‌طلبانه انجام دهد و ساختار معاملات را به‌نفع خود هموار سازد. در این پژوهش برای محاسبه اقلام تعهدی اختیاری از مدل تعدیل‌شده جونز که توسط دیچو و همکارانش (1995) ارائه گردیده استفاده شده است.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

5-1-1. مدل تعدیل‌شده جونز

جمع اقلام تعهدی از 2 طریق ترازنامه‌ای و سود و زیانی قابل محاسبه است. در این پژوهش جمع اقلام تعهدی از طریق سود و زیان به شرح زیر محاسبه شده است:

$$TA_{i,t} = EARN_{i,t} - CFO_{i,t} \quad (1)$$

در این رابطه، $TA_{i,t}$: جمع اقلام تعهدی شرکت i در سال t، $EARN_{i,t}$: سود قبل از اقلام غیرمترقبه شرکت i در سال t، $CFO_{i,t}$: وجه نقد عملیاتی (جریان‌های نقدی ناشی از فعالیت‌های عملیاتی) شرکت i در سال t است.

مدل زیر در مورد کل اقلام تعهدی برازش شده است. به‌منظور استاندارد نمودن اعداد و ارقام و سهولت محاسبات دو طرف معادله بر دارایی‌های اول دوره تقسیم شده است.

$$\frac{TA_{i,t}}{A_{i,t-1}} = \alpha_0 \frac{1}{A_{i,t-1}} + \beta_1 \frac{\Delta REV_{i,t}}{A_{i,t-1}} + \beta_2 \frac{PPE_{i,t}}{A_{i,t-1}} + \varepsilon_{i,t} \quad (2)$$

در این مدل، $\Delta REV_{i,t}$: تغییر در درآمد سالانه (تفاوت درآمد سال جاری با درآمد سال گذشته) شرکت i در سال t، $PPE_{i,t}$: اموال و ماشین‌آلات (دارایی‌های ثابت هر سال پس از کسر استهلاک انباشته) شرکت i در سال t، $\alpha_0, \beta_1, \beta_2$: ضرایب مدل و $\varepsilon_{i,t}$ خطای مدل است. $\alpha_0, \beta_1, \beta_2$ از طریق روش تخمین حداقل مربعات در فاصله سال‌های (1389-1380) به‌دست می‌آید، سپس ضرایب به‌دست آمده از مدل (2) در مدل (3) به‌کار می‌رود تا اقلام تعهدی غیراختیاری به‌شرح زیر به‌دست آید:

$$NDA_{it} = \alpha_0 \frac{1}{A_{i,t-1}} + \beta_1 \frac{\Delta REV_{i,t} - \Delta REC_{i,t}}{A_{i,t-1}} + \beta_2 \frac{PPE_{i,t}}{A_{i,t-1}} \quad (3)$$

در این مدل، $NDA_{i,t}$: اقلام تعهدی غیراختیاری شرکت i در سال t، $\Delta REC_{i,t}$: تغییر در حساب‌های دریافتنی (تفاوت حساب‌های دریافتنی پایان هر سال با حساب‌های دریافتنی ابتدای همان سال) شرکت i در سال t.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

از تفاضل جمع اقلام تعهدی و اقلام تعهدی غیراختیاری اقلام تعهدی اختیاری (شاخص مدیریت سود) به شرح زیر به‌دست می‌آید (دیچو و دیگران، 1995):

$$DA_{i,t} = \frac{TA_{i,t}}{A_{i,t-1}} - NDA_{i,t} \quad (4)$$

2-5. متغیرهای مستقل

- اندازه هیئت مدیره: در پژوهش حاضر منظور از اندازه هیئت مدیره تعداد اعضای هیئت مدیره شرکت می‌باشد.

- استقلال هیئت مدیره: در پژوهش حاضر از نسبت مدیران غیرمؤظف هیئت مدیره به کل اعضا برای سنجش میزان استقلال اعضای هیئت مدیره استفاده شده است. عضو غیرمؤظف هیئت مدیره عضوی است که فاقد مسئولیت اجرایی در شرکت است.

- دوگانگی وظیفه مدیرعامل: اگر مدیرعامل شرکت رئیس هیئت مدیره آن نیز باشد به این وضعیت دوگانگی وظیفه مدیرعامل اطلاق می‌گردد. در پژوهش حاضر از یک متغیر مجازی دو وجهی صفر و یک برای سنجش دوگانگی وظیفه مدیرعامل استفاده شده است.

3-5. متغیرهای کنترلی

به‌تبع اینکه کلین (2002) در پژوهش خود با موضوع مدیریت سود از سه متغیر اندازه شرکت، اهرم و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری به‌عنوان متغیرهای کنترلی استفاده نمود در این پژوهش نیز به پیروی از وی از این 3 متغیر به‌عنوان متغیرهای کنترلی استفاده شده است.

6. مدل پژوهش

همانطور که پیش از این نیز اشاره گردید، علاوه بر متغیرهای اصلی پژوهش (متغیرهای ساختار هیئت مدیره) متغیرهای دیگری مانند اندازه شرکت، اهرم و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سرمایه نیز ممکن است بر میزان مدیریت سود شرکت مؤثر باشد، بنابراین در آزمون فرضیه‌های پژوهش به‌منظور تعیین رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته از مدل رگرسیون کمترین مربعات خطا استفاده شده است.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

در مدل رگرسیون خطی رابطه متغیر وابسته مدیریت سود با متغیرهای مستقل و کنترلی به‌صورت زیر است:

$$DA_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 BSIZE_{i,t} + \beta_2 BIND_{i,t} + \beta_3 DUAL_{i,t} + \beta_4 LEV_{i,t} + \beta_5 FSIZE_{i,t} + \beta_6 MTB_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (5)$$

در این مدل، $DA_{i,t}$: (معیار مدیریت سود) میزان اقلام تعهدی اختیاری شرکت i در سال t، $BSIZE_{i,t}$: (اندازه هیئت مدیره) تعداد اعضای هیئت مدیره شرکت i در سال t، $BIND_{i,t}$: (استقلال هیئت مدیره) نسبت اعضای غیرمؤظف به کل اعضای هیئت مدیره شرکت i در سال t، $DUAL_{i,t}$: (دوگانگی وظیفه مدیرعامل) متغیر مجازی صفر و یک به این صورت که اگر مدیرعامل شرکت i در سال t رئیس هیئت مدیره نیز باشد مقدار متغیر برابر یک و در غیر این صورت صفر منظور می‌گردد، $LEV_{i,t}$: (اهرم) نسبت جمع بدهی‌های جاری و بلندمدت در پایان دوره مالی به ارزش بازار سرمایه اول دوره مالی شرکت i در سال t، $FSIZE_{i,t}$: (اندازه شرکت) لگاریتم طبیعی ارزش بازار سرمایه در پایان دوره مالی شرکت i در سال t و $MTB_{i,t}$: نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سرمایه در پایان دوره مالی شرکت i در سال t.

7. یافته‌های پژوهش

7-1. آمار توصیفی

در نخستین گام برای تجزیه‌وتحلیل داده‌ها آماره‌های توصیفی داده‌های تحت مطالعه محاسبه می‌گردد.

جدول 1. آمار توصیفی

متغیرها	میانگین	میانه	انحراف معیار
BSIZE	5/17	5	0/42
BIND	0/62	0/60	0/19
DUAL	0/42	0	0/41
LEV	1/62	0/89	1/84
FSIZE	10/26	11/68	0/67
MTB	4/72	2/86	6/01

مأخذ: نتایج تحقیق.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

داده‌های مربوط به جدول (1) نشان می‌دهد میانگین تعداد اعضای هیئت مدیره در شرکت‌های نمونه پژوهش حدود 5 نفر است، همچنین جدول مذکور نشان می‌دهد حدود 62 درصد از مدیران شرکت‌ها مدیران غیرموظفند. در نهایت، 42 درصد از مدیران عامل شرکت‌ها به‌عنوان رئیس هیئت مدیره نیز فعالیت می‌کنند که این امر می‌تواند بنابر گزارش‌های کمیته کدبری و هیگز احتمال رسوایی‌های مالی و حسابداری در این نوع شرکت‌ها را افزایش دهد.

2-7. ماتریس همبستگی

پس از ارائه آمار توصیفی به بررسی رابطه بین متغیرهای پژوهش پرداخته شده است. جدول (2) نشان‌دهنده ماتریس همبستگی پیرسون بین متغیرهاست.

جدول 2. همبستگی بین متغیرها

متغیرها	DA	BSIZE	BIND	DUAL	LEV	FSIZE	MTB
DA	1						
BSIZE	0/07	1					
BIND	-0/07	0/18	1				
DUAL	0/15	0/13	0/17	1			
LEV	0/21	0/13	-0/29	-0/11	1		
FSIZE	0/13	0/05	0/28	0/03	0/23	1	
MTB	-0/11	-0/14	0/21	-0/10	0/24	0/30	1
(Prob.)	معناداری در سطح 95 درصد			معناداری در سطح 99 درصد			

مأخذ: نتایج تحقیق.

با توجه به جدول (2) بین متغیر دوگانگی وظیفه مدیرعامل و اقلام تعهدی اختیاری رابطه معنادار وجود دارد، در حالی‌که بین سایر متغیرهای هیئت مدیره و اقلام تعهدی اختیاری رابطه‌ای مشاهده نگردید.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

3-7. برازش مدل پژوهش

جدول (3) تأثیر متغیرهای ساختار هیئت مدیره بر مدیریت سود را نشان می‌دهد.

جدول 3. برازش مدل

متغیر وابسته: اقلام تعهدی اختیاری				
متغیرها	Coefficient	T Statistics	Prob.	VIF
Intercept	0/495	6/95	0	-
BSIZE	0/002	1/15	0/283	1/147
BIND	-0/234	-1/19	0/240	1/252
DUAL	0/053	2/241	0/019	1/272
LEV	-0/184	-4/264	0	1/306
FSIZE	0/083	2/172	0/027	1/268
MTB	-0/123	-1/639	0/103	1/186
F =26/18	R-squared = 0/288		Durbin-Watson Stat =1/89	
$F_{(prob)}$ =0	Adj. R-squared = 0/265		N = 480	

مأخذ: نتایج تحقیق.

با توجه به مقدار آماره F (26/18) و سطح معناداری آن (0) اعتبار مدل تأیید می‌شود، همچنین بیشترین مقدار برای عامل تورش واریانس (VIF) تنها 1/306 می‌باشد و نشان می‌دهدکه مشکل همخطی در مدل وجود ندارد.

اقلام تعهدی اختیاری که به‌عنوان متغیر وابسته در مدل پژوهش آورده شده است با استفاده از مدل تعدیل‌شده جونز (1995) برآورد شده است. با توجه به مقدار و سطح معناداری ضریب متغیر اندازه هیئت مدیره (BSIZE) رابطه معناداری بین این متغیر و مدیریت سود مشاهده نمی‌شود، بنابراین فرضیه اول پژوهش با اطمینان 95 درصد رد می‌شود. نتایج این پژوهش با پژوهش‌های انجام‌شده توسط کولتن و همکاران (2001)، ژی و همکاران (2003) و کوکی و همکاران (2011) که به رابطه معنادار بین متغیرهای اندازه هیئت مدیره و مدیریت سود رسیده‌اند مغایر است، اما با نتیجه پژوهش آقایی و چالاکی (1388) که به عدم وجود رابطه بین این دو متغیر رسیده‌اند مطابقت دارد.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

همچنین با توجه به مقدار و ضریب متغیر استقلال هیئت مدیره (BIND) رابطه معناداری بین این متغیر و مدیریت سود مشاهده نشد و فرضیه دوم پژوهش نیز رد شد. نتایج با یافته‌های چترو و همکاران (2001)، کلین (2002) و چانگ و همکاران (2009) که به رابطه منفی بین متغیرهای استقلال هیئت مدیره و مدیریت سود رسیده‌اند مطابقت ندارد. در نهایت، با توجه به مقدار آماره t و سطح معناداری ضریب متغیر دوگانگی وظیفه هیئت مدیره (DUAL) ارتباط مثبتی بین این متغیر با مدیریت سود مشاهده می‌شود. در واقع، در شرکت‌هایی که رئیس هیئت مدیره به‌عنوان مدیرعامل فعالیت می‌کند مدیریت سود بیشتر رخ می‌دهد، بنابراین فرضیه سوم پژوهش با اطمینان 95 درصد رد نمی‌شود. یافته‌های این پژوهش با پژوهش کلین (2002)، کارسلو و ناگی (2004) و سرکار و همکاران (2008) همسو است. بین متغیرهای کنترلی نیز بین متغیر اندازه هیئت مدیره با مدیریت سود ارتباط مثبت و بین اهرم و مدیریت سود ارتباط منفی مشاهده می‌شود.

8. نتیجه‌گیری

تضاد منافع بین مدیران بخش‌های تجاری و سایر ذینفعان شرکت‌ها از این حقیقت ناشی می‌شود که مدیران شرکت‌ها بر دارایی‌های آن کنترل مؤثری دارند، اما بیشتر اوقات جزء سهامداران اصلی شرکت نیستند، بنابراین شاید مدیران به انجام برخی رفتارهای فرصت‌طلبانه در گزارشگری مالی (به‌عنوان مثال شناسایی زودتر از موقع سود برای رسیدن به پاداش بیشتر) دست بزنند.

در این پژوهش تجزیه‌وتحلیل جامعی در زمینه رابطه بین برخی ویژگی‌های هیئت مدیره و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس تهران بین سال‌های (1389-1382) صورت پذیرفت. به‌طور خاص در این پژوهش به بررسی نقش اندازه هیئت مدیره، استقلال هیئت مدیره و دوگانگی وظیفه مدیرعامل بر مدیریت سود پرداخته شد. در پژوهش حاضر اقلام تعهدی اختیاری شرکت به‌عنوان شاخصی برای مدیریت سود در نظر گرفته شد که این شاخص بر اساس مدل تعدیل‌شده جونز که توسط دیچو و همکارانش (1995) ارائه گردیده بود برآورد گردید.

نتایج پژوهش رابطه معناداری بین استقلال هیئت مدیره و مدیریت سود را نشان نداد. برای تفسیر این نتیجه می‌توان چندین دلیل ارائه نمود. نخست اینکه مدیران غیراجرایی در شرکت‌های ایرانی فاقد تخصص مالی در زمینه شناسایی رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران هستند و در تجزیه و ارزیابی اطلاعات در این زمینه دانش کافی ندارند. در واقع، کارایی مدیران به آگاهی و شناخت

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

آنها از رفتارهای مدیریت سود بستگی دارد. دلیل دوم می‌تواند به عدم استقلال کامل مدیران غیراجرایی شرکت مربوط باشد. شاید رابطه دوستی بین مدیران غیراجرایی با مدیران اجرایی شرکت دلیل عدم کارایی آنها در شناسایی رفتارهای مدیریت سود باشد.

بر اساس نتایج تحقیق بین دوگانگی وظیفه مدیرعامل و مدیریت سود رابطه مثبت وجود دارد. به‌عبارت بهتر اگر مدیرعامل شرکت رئیس هیئت مدیره آن نیز باشد احتمال مدیریت سود افزایش می‌یابد.

یک دلیل احتمالی برای این امر آن است که دوگانگی وظیفه مدیرعامل کارایی هیئت مدیره را کاهش می‌دهد. به این دلیل نیز در گزارش کدبری (1992) و هیگز (2003) پیشنهاد شد که رئیس هیئت مدیره مدیرعامل شرکت نباشد. در نهایت، نتایج پژوهش رابطه‌ای بین اندازه هیئت مدیره و مدیریت سود نشان نداد.

البته در این پژوهش آثار برخی متغیرهای کنترلی نیز بر مدیریت سود مورد بررسی قرار گرفت که نتایج نشان‌دهنده این مطلب بود که در شرکت‌های بزرگ احتمال مدیریت سود افزایش می‌یابد، همچنین در شرکت‌هایی که میزان اهرم بالاتری در ساختار سرمایه خود دارند مدیریت سود کاهش می‌یابد.

8-1. پیشنهادهای کاربردی

- نتایج به‌دست آمده از پژوهش نشان داد که بین نسبت اعضای غیرمؤظف هیئت مدیره بر کل اعضا (استقلال اعضای هیئت مدیره) و مدیریت سود رابطه وجود ندارد که این امر می‌تواند نشان‌دهنده عدم آشنایی این اعضا با نقش مهم نظارتی خود بر عملکرد مدیریت و نبود نقش مؤثر آنها در بهبود کیفیت گزارشگری مالی باشد، بنابراین پیشنهاد می‌شود این اعضا با وظایف و نقش خود بیشتر آشنا شوند تا بتوانند نقش مؤثری را در امر راهبری شرکت‌ها ایفا نمایند.

- نتایج پژوهش نشان داد بین اهرم مالی و مدیریت سود رابطه منفی وجود دارد، بنابراین وجود اهرم در ساختار سرمایه را می‌توان مکانیزمی برای کاهش مشکلات نمایندگی تلقی نمود و می‌توان به سازمان بورس اوراق بهادار تهران پیشنهاد کرد به‌منظور کاهش مشکلات نمایندگی و افزایش نظارت بر عملکرد مدیران شرکت‌ها شرایط استفاده شرکت‌ها از اهرم در ساختار سرمایه را فراهم نماید. همچنین وجود میزانی از اهرم (نه به مقدار زیاد) به حفظ منافع سرمایه‌گذاران و کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیریت کمک می‌کند، بنابراین می‌توان به سرمایه‌گذاران پیشنهاد نمود که اهرم را صرفاً به‌عنوان عامل منفی تلقی نکنند و در تجزیه‌وتحلیل سود شرکت‌ها به میزان اهرم مالی آنها نیز توجه داشته باشند.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

منابع

آقایی، محمدعلی، اعتمادی، حسین، آذر، عادل و پری چالاکی (1388)، "ویژگی‌های حاکمیت شرکتی و محتوای اطلاعاتی سود در بورس اوراق بهادار تهران با تأکید بر نقش مدیریت سود"، *فصلنامه علوم مدیریت ایران*، سال 4، شماره 16، صص 53-27.

آقایی، محمدعلی و پری چالاکی (1388)، "بررسی رابطه بین ویژگی‌های حاکمیت شرکتی و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران"، *فصلنامه تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، شماره 4، صص 77-54.

احمدپور، احمد، ملکیان، اسفندیار و حسین کردتبار (1388)، "بررسی تأثیر مدیران غیرمؤظف و سرمایه‌گذاران نهادی در رفتار مدیریت سود"، *فصلنامه تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، شماره 3، صص 87-68.

بادآورنهندی، یونس، برادران حسن‌زاده، رسول و سعید محمودزاده باغبانی (1390)، "بررسی رابطه بین برخی مکانیزم‌های نظام راهبری شرکت‌ها و محافظه‌کاری در گزارشگری مالی"، *فصلنامه تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، شماره 9، صص 145-130.

بهارمقدم، مهدی (1385)، *محرک‌های مؤثر بر مدیریت سود*، رساله دکتری رشته حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی.

حساس‌یگانه، یحیی و رافیک باغومیان (1385)، "نقش هیئت مدیره در حاکمیت شرکتی (قسمت اول)"، *حسابرس*، سال 20، شماره پیاپی 173، ص 30.

Abbott, L. J., Park, Y. & S. Parker (2000), "The Effects of Audit Committee Activity and Independence on Corporate Fraud", *Managerial Finance*, Vol. 26, PP. 55-67.

Adams, R. & H. Mehran (2005), "Corporate Performance, Board Structure and its Determinants in the Banking Industry", EFA Moscow Meetings, Working Paper Series, Online http://ssrn.com/abstract=302593.

Beasley, M. S. (1996), "An Empirical Analysis of the Relation between the Board of Director Composition and Financial Statement Fraud", *The Accounting Review*, Vol. 71, PP. 443-465.

Carcello, J. V. & A. L. Nagy (2004), "Audit Firm Tenure and Fraudulent Financial Reporting Auditing", *A Journal of Practice and Theory*, Vol. 23, PP. 55-69.

Chang, J. & H. Sun (2009), "The Relation between Earnings Informativeness, Earnings Management and Corporate Governance in the Pre and Post-Sox Periods", American Accounting Association Annual Meeting.

Chtourou, S. M., Bedard, J. & L. Courteau (2001), "Corporate Governance and Earnings Management", Working Paper Series, http://ssrn.com/abstract=275053.

Coulton, J., James, C. & S. Taylor (2001), "The Effect of Compensation Design and Corporate Governance on the Transparency of CEO Compensation Disclosures", UTS School of Accounting Working Paper No. 45, http://ssrn.com/abstract=273628.

Dechow, P. M., Sloan, R. G. & A. P. Sweenery (1995), "Detecting Earnings Management", *The Accounting Review*, Vol. 70, PP. 193-226.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

Donaldson, L. & J. H. Davis (1994), "Boards and Company Performance-Research Challenges the Conventional Wisdom", *Corporate Governance: An International Review*, Vol. 2, PP. 151-160.
Fama, E. & M. Jensen (1983), "Agency Problems and Residual Claims", *Journal of Law and Economics*, Vol. 26, PP. 327-350.
Healy, P. M. & J. Wahlen (1999), "A Review of the Earnings Management Literature and its Implications for Standard Setting", *Accounting Horizons*, Vol. 13, PP. 365-383.
Jensen, M. C. (1993), "The Modern Industrial Revolution, Exit and the Failure of Internal Control Systems", *The Journal of Finance*, Vol. 25, PP. 831-873.
Klein, A. (2002), "Audit Committee, Board of Director Characteristics, and Earnings Management", *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 33, PP. 375-401.
Kouki, M., Elkhaldi, A., Atri, H. & S. Souid (2011), "Does Corporate Governance Constrain Earnings Management? Evidence from U.S. Firms", *European Journal of Economics, Finance and Administrative Sciences*, Vol. 35, PP. 58-71.
Lim, R. (2011), "Are Corporate Governance Attributes Associated with Accounting Conservatism?", *Accounting & Finance*, Vol. 51, PP. 1007-1030.
Nicholson, G. J. & G. C. Kiel (2003), "Board Composition and Corporate Performance: How the Australian Experience Informs Contrasting Theories of Corporate Governance", *Corporate Governance: An International Review*, Vol. 11, PP. 189-205.
Peasnell, K. V., Pope, P. F. & S. Young (2000), "Accrual Management to Meet Earnings Targets: U.K. Evidence Pre and Post-Cadbury", *The British Accounting Review*, Vol. 32, PP. 415-445.
Peasnell, K. V., Pope, P. F. & S. Young (2005), "Board Monitoring and Earnings Management: Do Outside Directors Influence Abnormal Accruals?", *Journal of Business Finance and Accounting*, Vol. 32, PP. 1311-1346.
Sarkar, J., Sarkar, S. & K. Sen (2008), "Board of Directors and Opportunistic Earnings Management: Evidence from India", *Journal of Accounting, Auditing and Finance*, Vol. 23, PP. 269-286.
Wang, Z., Swift, K. & G. Lobo (1994), "Earnings Management and the Informativeness of Accruals Adjustments", Working Paper, Montana State University.
Xie, B., Davidson, W. N. & P. J. Dadalt (2003), "Earnings Management and Corporate Governance: The Roles of the Board and the Audit Committee", *Journal of Corporate Finance*, Vol. 9, PP. 295-316.
Yang, W. S., Chun L. S. & S. M. Ramadili (2009), "The Effect of Board Structure and Institutional Ownership Structure on Earnings Management", *International Journal of Economics and Management*, Vol. 3, PP. 332-353.
Yermack, D. (1996), "Higher Market Valuation of Companies with a Small Board of Directors", *Journal of Financial Economics*, Vol. 40, PP. 185-211.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]